

سنگ در آذربایجان باستان

نویسنده: رحیم بقال اصغری

تقدیم به:

سنگ صبورم مهدیه

سرشناسه	:	بقال اصغری باغمیشه، رحیم، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	سنگ در آذربایجان باستان / نویسنده رحیم بقال اصغری.
مشخصات نشر	:	تبریز: بهار دخت، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۰۲ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۶۴۳۱-۲۰-۰: ۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	سنگ‌نگاره‌ها -- ایران -- آذربایجان
موضوع	:	Petroglyphs -- Iran -- Azerbaijan
موضوع	:	سنگ‌نگاره‌ها -- ایران -- تاریخ
موضوع	:	Petroglyphs -- Iran -- History
موضوع	:	سنگ -- ایران -- آذربایجان
موضوع	:	Stone age -- Iran -- Azerbaijan
موضوع	:	دوره سنگی -- ایران -- آذربایجان
موضوع	:	Neolithic period -- Iran -- Azerbaijan
رده بندی کنگره	:	NB۱۷
رده بندی دیویی	:	۷۳۰/۹۸۵۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۶۳۶۲

عنوان: سنگ در آذربایجان باستان نویسنده: رحیم بقال اصغری

ناشر: انتشارات بهار دخت

طراحی جلد، صفحه آرای و چاپ: کانون آگهی و تبلیغاتی آرم
حروفچینی: هانیه پورنقی، سمیه علی اصغری، میترا آزادی، فاطمه آل طاهها، سپیده پورمحمدی وفا
ویراستار: مهدیه حامدافتخار

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد - قطع خشتی ۱۲۶ صفحه

نوبت چاپ: اول، تبریز تابستان ۱۳۹۸

بهاء: ۲۰۰/۰۰۰ ریال



انتشارات بهار دخت

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۳۱-۲۰-۰

ISBN: 978-622-6431-20-0

۵	مقدمه
۱۱	عصر حجر قدیم (۳/۳ میلیون تا ۳۰۰ هزار سال پیش)
۱۵	عصر حجر میانه (۳۰۰ تا ۱۰۰ هزار سال پیش)
۲۲	عصر حجر پسین (۱۵۵ تا ۱۴ هزار سال پیش)
۲۴	نوسنگی (۱۴ هزار سال تا ۶۵۰۰ سال پیش)
۴۰	عصر مس (۴۳۰۰ سال قبل از میلاد) + مفرغ (۳۵۰۰ سال قبل میلاد)
۴۴	حوری ها (۲۸۰۰ قبل از میلاد)
۴۵	اورارتویی ها (۱۵۰۰ سال قبل میلاد)
۴۶	مانناها (۸۵۰ سال قبل از میلاد)
۴۸	مادها (۶۷۸ سال قبل از میلاد)
۴۹	سنگ آئین
۵۲	سنگ یادا
۵۷	سنگ تزئین
۶۳	ظروف سنگی
۶۵	مهر سنگی
۶۷	سنگ نگاره ها
۶۹	سنگ نوشته ها
۷۱	در معماری
۷۲	پیکرهای سنگی
۷۵	حیوانات سنگی
۸۰	صادرات سنگی
۸۱	تصاویر
۱۲۵	منابع

مقدمه

دانشجویان هیچگاه آذربایجان از سنگ به عنوان ابزار اصلی زندگی بهره مند نبوده است. برخلاف تمدن های دیگر چون یونان که سنگ اصلی ترین مواد معماری آن را تشکیل می دهد، آذربایجانیها ترجیح می دادند از چوب و حشمت استفاده کنند کاه گل تا همین سالهای اخیر مهم ترین ابزار معماری بوده دلیل استفاده از گل و مهره های گلی در معماری آذربایجان سرمای جانکاه وسوزناک زمستانها بوده مدت تابستانی کوتاه بود و ساختمان سنگی به دلیل انتقال سرما به داخل گزینه مناسبی نبود فقط پای دیوارها باید از سنگ استفاده می شد و درگاههای کاخهایی حرن شریتری یا حسنلو ویا ستونهایی چون معبد ولیان داغی (عینالی امروز) که بتواند تحمل بار سنگین ساختمان بزرگ را داشته باشد. ساختمانهای کاه گلی عمری کوتاه دارند ویا سیل وزلزله که در آذربایجان زیاد بود سریعآز بین می رفتند بنابراین ما از داشتن تاریخ معماری شگرف محروم هستیم. یکی از دلایل آتش سوزی های متعدد در بسیاری جای آذربایجان وجود همین تیرهای چوبی در سقف بود. اما سنگ ها ابزار خوبی برای شکار بودند بشرنخسین در آذربایجان از سنگهای گوناگون تراش خورده بهترین استفاده را در شکارکرد و سپس از سنگ برای کوبیدن وشکستن سیاب کردن استفاده نموده در ده هزار قلی نیز یکی از وسایل مهم برای صادرات به خصوص به تمدن سومر که باقد سنگ کافی وسنگ تزیینی بود آذربایجان بود آنها به خویشاوندان خود سنگ می فرستادند و غله دریافت می کردند. حتی بت های آذربایجان چوبی بوده آنها را تدهین (باغلاماق) می کردند و مدح آنها را می گفتند. از چشمه های باجنس که در اغلب اماکن تاریخی باقی مانده می فهمیم آنها از جنس چوب بودند. سنگ در نهایت یک کارکرد مهم دیگر داشت آنها آیینی بودند. سنگ صبور، سنگ باران، سنگ یادبود که نشانگر اهمیت جایگاه یک جنس غیر متعل و نابودشدنی بود. این سنگها تا چندسال قبل واکنون در جاهایی به نام «اوجاق» مورد پرستش ویا احترام بودند سنگها از روی قبور تا تزیین واز کارکردهایی چون ظروف تایرهای سنگی تدهین در سلسله های پر وقوت (گرنه ها) تا ماد مورد استفاده بودند. دراین کتاب به خلاصه هایی قابل اعتماد ونه مبتنی بر داستان سرایی بلکه استوار بر باستان شناسی پرداخته ام. تاریخ آذربایجان همیشه بر گفته ها ونقل وقولها وبرروی هوا نوشته شده و مورخین ما از ارائه مستندات کافی سر باز زده اند. همینطور تاریخ کلی ایران نیز به افسانه سرایی های هرودوت تا معاصرین و جواهرهای کنونی وابسته بوده وجایگاه علمی در جهان ندارد. اکنون با درز گزارشات خارجی ها به بیرون می توانیم کم کم جایگاه واقعی خود را در ایران وجهان پیدا کنیم. امید است گزارشات آرشو شده در موزه ایران باستان وحفاریهای جون

تبریز و شهر یغری و ... نیز انتشار یابند تا بتوانیم واقع بینانه تر به بررسی آنچه در گذشته مخفی بود بپردازیم. "چگونگی آفرینش انسان های نخستین، پیدایش و سکونت آنان بر کره ی خاکی، گرچه بین ملل و باورهایشان روایت های گونه گونه ای شده است، اما پاسخ این پرسش ها به بهترین وجه ممکن در دل «سنگ ها» نهفته است. و این مهم در گذر زمان بر ما آشکار گردیده است. و یگوئیم زندگی انسان ها از نخستین روزهایش با سنگ بیوند خورده است. چرا که انسان ها برای حفظ جانشان از حیوانات وحشی، بلاهای طبیعی، گرما و سرما به غارها و مغارهایی که در سینه ی کوهها و صخره های بلند وجود داشت پناه می بردند. بعدها هم انسان ها همین مکانها را «آنا» (مادر)، «آتا» (پدر)، جد و یا آفریننده خویش میخوانند. حتی کوه ها و صخره ها را به مانند انسان میپدارند. برای هر قسمت آنها مثل اعضای بدن انسان نام میگذارند. مانند: سرکوه، سینه ی کوه، پای کوه و گردنه ی کوه و سایر ... و این نام ها را از گذشته های دور تا امروزه روز سینه به سینه نگه داشته است.^{۱۴}

امتداد و استقرار یکجانشینی بردمان در بایجان در زاگرس و شمالغرب کشور ایران نمایانگر وجود ساختارهای سیاسی حاکم بر جوامع قبل از تاریخی این منطقه می باشد.

"شمالغرب و شمال مرکزی ایران از مناطق مهم باستانی فلات ایران به شمار می آیند. فرهنگ های نوسنگی و مس سنگی، مفرغ و آهن تقریباً هم زمان در این مناطق شکل گرفته اند.

در دوران نوسنگی بین جوامع ساکن در این مناطق شایسته های قابل توجهی دیده می شود که شاید ناشی از منشاء مشترک آنها باشد. روندهای فناوری از جمد سولید سال ساختارهای معماری در هر دو منطقه هم زمان ظهور کرده است.^{۱۵}

آذربایجان از نظر سنگ و منابع سنگی در دوران عصر حجر بسیار غنی است. ابزارها در همه جای آذربایجان یافت می شوند کافی است یک رود و محوطه های اطراف آن بررسی شود تا هزاران نمونه از ابزار انسانهای نخستین کشف شود و در ملاحظات که باستان شناسان چنین کرده اند و با توجه های بیشماری از سنگهای تراشیده شده و کاربردی یافت شده است.

در عصر سنگی قدیم و بعدها در نوسنگی و بررسی محوطه هایی چون یانیق تپه در تبریز و تپه حاجی فیروز در آذربایجان غربی در نزدیکی روستای تاریخی حسنلو ما به یکجانشینی های ده هزار سال قبل برخورد می کنیم که از نظر قدمت یکجانشینی در جهان منحصر به فرد هستند.

آنها البته ابزارهای سنگی خود را قبل از تهیه و تراش از مناطق همجوار وارد می کردند چرا که جنس سنگهای

۱- سنگ ها سخن می گویند، راسیم افندی اف، ترجمه:م. آرشی (الفبا) نشر دنیوزچین. ص. ۳

۲- عصر آهن ایران، دکتر حسن طلائی، نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهها. ۱۳۹۲. ص. ۱۰

سنگ در آذربایجان باستان

مثلا حاجی فیروز نامرغوب بود و سپس مغز آن را به شکل دلخواه تراش می دادند.

شبهات میان این ابزار با ابزاری که از طریق شمال عراق به سومر می رسد به ما نشان می دهد می توانیم نه تنها از طریق معماری یا مهرها ومظاهر فرهنگی که حتی از طریق سنگ مسیرمهاجرت ومنشاء سومریان را در آذربایجان ردیابی کنیم. مسیری که از جنوب دریاچه اورمیه گذشته واز کله شین وارد عراق شده و از کرکوک وموصل تا بزر و اوروک کشیده می شود.

درست در همان شکل گیری اولین نشانه های تمدن در آسیا ما حاجی فیروز را به همراه یانیق تپه و شمال عراق در یک سطح ملاحظه می کنیم. حاجی فیروز هنوز کاوش جدی نشده است.

از کارگاه اصل حفاری های محوطه ۱۵۹ عدد شیء سنگی یافت شده است. ابزارهای سنگی تراشیده از ابسیدین وسنگ چخماق (شامل چرت) ساخته شده اند. برحسب تعداد اشیای مکشوفه، ابسیدین بیشترین فراوانی را در ساخت ابزار دارد. مجموعه ی اشیای سنگی تراشیده ای که از لایه های نوسنگی حاجی فیروز کشف شده است از لحاظ کمی ناچیز از لحاظ کیفی نامطلوب است. اکثر ابسیدین های مکشوفه از حاجی فیروز نیز شفاف یا «سفید» رنگ و دارای رگه های کدر یا بخش های خال خال هستند. انواع اشیای تراشه سنگی عبارت اند از:سرتیر، انواع تیغه، تراشه های اشکال هندسی وتیغه هایی با براقیت در قسمت لبه. این ابزارها در اموری چون سوراخ کاری، برقوزی، تراش کاری وبش کاربرد داشتند.

از مجموع ۳۶ شیء سنگی ساییده این محوطه یافت شده تقریبا ۷۵ درصد (=۲۵ شیء) سنگ آسیا هستند. جنس اشیای سنگی ساییده ی موجود در موزه ی دانشگاه پنسیلوانیا به این شرح است:ماسه سنگ، کالسیت، مرمر، سرپنتین ودونوع دیوریت. این اشیاء مواد یخنیابنده ی سنگ آسیای دال، سنگ آسیای قلوه ای، بزرک ساب، رشته ی سنگی، قلوه سنگ مصقل، گوی سنی، سنگ لایه، شیارگر، دوک، مهر استامپی، مهره ی صفحه ای ویلاک (?) سنگی را شامل می شود. اشیای دستی در در مجموعه ی یافته های محوطه در قالب مهره دیده می شود.^{۱۴}

بررسی های هریت کرافورد نشان می دهد همانند سومریان، سنگ صابون در دوره هایی چون سلسله ماننا ها کاربرد زیادی داشت. میشل مارکوس نیز با آزمایشات علمی مواد مهرها در سنگ و اثبات می کند آنها از جنس سنگ صابون هستند که همه این دلایل از ارتباط صنعتی سومر وآذربایجان حکایت دارند. هنری دایسون و ماری ماتیلدا گردنبندهایی در حسنلوی اورمیه یافته اند که در معبد ایشتار آشوریان یعنی الهه ی عشق استفاده می شد. الهه عشق دربین سومریان «آن ننه» [آن ننه] یعنی مادر برتر نامیده می شد که در ترکی هم چنین است وبا علامت وسمبل ستاره نشان داده می شد.

۱- تمدن های دشت سولدوز، حاجی فیروز نوشته ی ماری ماتیلدا ویت، ترجمه ی علی صدراپی و صمدعلیون، نشر گنجینه هنر، صفحه ۵۴